



**PERSIAN A1 – HIGHER LEVEL – PAPER 1
PERSAN A1 – NIVEAU SUPÉRIEUR – ÉPREUVE 1
PERSA A1 – NIVEL SUPERIOR – PRUEBA 1**

Monday 8 May 2000 (morning)

Lundi 8 mai 2000 (matin)

Lunes 8 de mayo del 2000 (mañana)

4 hours / 4 heures / 4 horas

INSTRUCTIONS TO CANDIDATES

- Do not open this examination paper until instructed to do so.
- Section A: Write a commentary on one passage.
- Section B: Answer one essay question. Refer mainly to works studied in Part 3 (Groups of Works); references to other works are permissible but must not form the main body of your answer.

INSTRUCTIONS DESTINÉES AUX CANDIDATS

- Ne pas ouvrir cette épreuve avant d'y être autorisé.
- Section A : Écrire un commentaire sur un passage.
- Section B : Traiter un sujet de composition. Se référer principalement aux œuvres étudiées dans la troisième partie (Groupes d'œuvres) ; les références à d'autres œuvres sont permises mais ne doivent pas constituer l'essentiel de la réponse.

INSTRUCCIONES PARA LOS ALUMNOS

- No abra esta prueba hasta que se lo autoricen.
- Sección A: Escriba un comentario sobre uno de los fragmentos.
- Sección B: Elija un tema de redacción. Su respuesta debe centrarse principalmente en las obras estudiadas para la Parte 3 (Grupos de obras); se permiten referencias a otras obras siempre que no formen la parte principal de la respuesta.

بخش یکم

یکی از دو متن زیر را بروزی و تفسیر کنید:

الف

اگر از این سلاحی که دست و کیل باشی است، یکی دست او بود،
گیرش نمی‌آوردند. اگر سلاح داشت، اصلاح کسی او را سر زراعت نمی‌دید که
به این مفتی مأمور بتواند باید و او را ببرد. چه تفنگهای خوبی دارند! اگر
صدتا از اینها دست آدمهای آگل بود، هیچکس نمی‌توانست پا تو جنگل
بگذارد. اگر از این تفنگها داشت، اصلاح خیلی چیزها، اینظروری که امروز
هست، نبود. اگر آن روز تفنگ داشت، امروز صغرا زنده بود و او محض خاطر
بعچه شیرخواره اش مجبور نبود سر زراعت برگرد و زخم زیان آگل لولمانی را
تحمل کند که به او می‌گفت: «تمرد نیستی، تو ننه بچهات هستی.» اگر صدتا
از این تفنگها در دست او و آگل لولمانی بود، دیگر کسی اسم بهره مالکانه
نمی‌برد. تفنگ چیه؟ اگر یک چوب کلفت دستی گیرش می‌آمد، کار این
و کیل باشی شیرهای را می‌ساخت. کاش باران بندمی‌آمد و او می‌توانست
تکه چوبی پیدا کند. آنوقت خودش را به زمین می‌انداخت، با یک جست
برمی‌خاست و در یک چشم بهم زدن با چوب چنان ضربتی بر سر نیزه وارد
می‌کرد که تفنگ از دست محمدولی پیرد... کار او را می‌ساخت... اما مأمور
دو می‌سه قدم پیشانپیش او حرکت می‌کرد! گوبی وجود او اشکالی در اجرای
نقشه بود. او را نمی‌شناخت. هنوز قیافه اش را ندیده بود، با او یک کلمه هم
حرف نزدیک بود.

کشن کسی که آدم او را ندیده و نشناخته کار آسانی نبود. او، اگر
قاتل صغرا گیرش می‌آمد، می‌دانست که باش چه کند. با دندانهایش حنجره
او را می‌درید. با ناخنها یش چشمها یش را درمی‌آورد... گیله مرد لرزید، نگاه
کرد. دید محمدولی کنار او راه می‌رود و از سر زیمه اش آب می‌چکد. از جنگل
صدای زنی که غش گرده و جیغ می‌زنند، می‌آید.

محض خاطر بچه اش امروز گیر افتاده بود. حرف سر این است که تا
چه اندازه اینها از وضع او باخبر هستند. تا کجا یش را می‌دانند؟ محمدولی
به او گفته بود: «خان نایب گفته یک سر یا تا فونم و برو، می‌خواهند بدانند
که از آگل خبری داری یا نه.» به حرف اینها نمی‌شود اعتماد کرد و آگل تا
آن دقیقه آخر به او می‌گفت: «نرو، بر نگرد، نرو سر زراعت!»

بزرگ علوی، گیله مرد

۱ ب

دگر باره شد با نریمان به راز
ز دیوار در رفت خورشید من
نه داش نماید نه پرهیز سود
به نزد کس این هردو را چاره نیست
که راهی درازم بیش اندر است
نیابد کسی زو گذر بی جواز
بنازد روانم بدیگر سرای
به بزدان ز رنجت ننالد کسی
مکن آنکه ننگی شود گوهرت
و گر با تو هزمان دگران بود
که نیکت بهزشتی برد پاک باز
یکی بهره دین را ز بهر خدای
سیم بزم را چارم آرام را
نخستین نویسنده کن از هنر
گل داش از دلش بوسیا بود
مشو نیز با پارسا باد سار
به شادی همی دار تن را جوان
بر ایشان بهر خشم مفروز چهر
خداآوند را همچو تو بنده‌اند

بر قند گریان و گرشاسب باز
بدو گفت کامد سر امید من
چو مرگ آمد و کار رفتن بیود
ره پیری و مرگ را باره نیست
دلم زین بصدگونه ریش اندر است
بره باز خواهی که پیدا و راز ۵
پس از من چنان کن که پیش خدای
نگر تا گناهت نباشد بسی
فرومایه را دار دور از برتر
ازان ترس کو از تو ترسان بود
مکن با سخنچین دو روی راز ۱۰
شب و روز بر چار بهره بپای
دگر باز تدبیر و فرجام را
به فرهنگ پرور چو داری پسر
نویسنده را دست گویا بود
به فرمان نادان مکن هیچ کار ۱۵
مده دل به غم تا نکامد روان
بیخشای بر زیرستان به مهر
که ایشان به تو پاک مانده‌اند

گرشاسب نامه

بخش دوم

انشائی که در باره یکی از موضوعات زیر مینویسید باید با اشاره به لااقل دو تا از کتابهای بخش سوم که خوانده اید نوشته شود. به آثار دیگر هم میتوانید اشاره کنید اما نه عنوان زمینه اصلی انشا.

۲ ادبیات کلاسیک

- الف با مراجعه به آثاری که انتخاب کرده توضیح بدھید که دین اسلام در زندگی روزمره مردم ایران چه اثری دارد؟
- ب با رجوع به حداقل دو اثر خصوصیت شعر مثنوی را بیان کنید.

۳ نوگرایی و مشروطه خواهی

- الف بر اساس آثاری که خوانده اید توضیح بدھید که زندگی روزمره تا چه اندازه در اشعار دوران مشروطه منعکس شده است.
- ب شاعران دوره مشروطه باعث از بین بردن شکل (فرم) مرسوم در اشعار فارسی شده اند. بر اساس اشعاری که خوانده اید عقیده خود بیان کنید.

۴ رمان و نوول در قرن بیستم

- الف غربزدگی و وطنپرستی دو مشخصه اصلی استان نویسی فارسی است. با استفاده از حداقل دو اثری که خوانده اید عقیده خود را بیان کنید.
- ب بر پایه حداقل دو اثر که خوانده اید در باره فشار و اختناق سیاسی بحث کنید.

۵ نمایشنامه نویسی

- الف نمایشنامه نویسان مدرن ایرانی بیشتر به انتقاد اجتماعی توجه دارند تا شخصیت قهرمانهای داستان. عقیده خود را بر اساس حد اقل دو اثر که خوانده اید بیان کنید.
- ب نقش گذشته در تیاتر ایران تا چه اندازه اهمیت دارد. عقیده خود را با توجه به دو نمایشنامه ای که خوانده اید بیان کنید.

۶ داستان کوتاه

- الف نویسنده مدرن ایرانی بندرت به زندگی در روستا توجه دارد. دلایل آن چیست؟
- ب نویسنده‌گان معاصر ایرانی تا چه حد و به چه طریق از اوضاع اجتماعی و سیاسی موجود انتقاد میکنند؟

۷ شعر معاصر

- الف شاعر مدرن ایرانی تا چه اندازه شخصیت خود را در آثارش منعکس میکند؟
- ب با رجوع به حد اقل دو شاعر توضیح بدهید که چگونه آداب و رسوم محلی در اشعار ایرانی منعکس شده است.

